

## معرفی کتاب های جشنواره کتاب نوش

### کتاب های جشنواره کتاب نوش

#### متوسطه اول



### کتاب های جشنواره کتاب نوش ویژه دوره #متوسطه اول

۱\_ کتانی های کوکام

۲\_ گرگ ها با چشم باز می خوانند (سرگذشت استعمار جلد ۲)

۳\_ تاریخ با طعم زغال اخته

۴\_ اردو در قبرستان ژغاره

۵\_ نورآباد دهکده ی من

۶\_ یتیم غوره

۷\_ خانوم کوچیک

۸\_ ده راز آشباریا

۹\_ معبد زیرزمینی

📖 با کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش باشید

## #کتابهای\_کو\_کام

مهران اگرچه برخلاف دو دوستش از اعراب خوزستان نیست و فارس است، اما در مرام و رفاقت چیزی برای دوستان عربش کم نمی‌گذارد. دوستانش هم همه جوهره هوای او را دارند و وقتی خبر می‌رسد که صداهای مشکوک تیراندازی از سمت روستای آنها به گوش رسیده، همه کمک می‌کنند تا هر جور شده مهران بتواند خودش را به روستایشان برساند.

وقتی به روستا می‌رسند هیچ یک از اعضای خانواده‌ی مهران جزو مردمی که از روستا بیرون آمده‌اند نیستند. مهران که دلشوره به جانش افتاده تصمیم می‌گیرد هر طور شده خودش را به خانه برساند و اثری از خانواده‌اش پیدا کند، تصمیمی که شجاعت زیادی می‌خواهد چرا که عراقی‌ها ممکن است هر جای روستا کمین کرده باشند.

یعنی چه اتفاقی برای خانواده‌ی مهران افتاده است؟ آیا ماموران عراقی دستگیرشان کرده‌اند؟ نکند کسی از اعضای خانواده آسیب دیده باشد؟ آیا دوستان مهران حاضرند در پیدا کردن خانواده‌ی مهران به او کمک کنند و از جانشان مایه بگذارند؟



📖 کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش\_باشید

## #اردو\_در\_قبرستان\_ژغاره

باد آورد! بله باد آورد!

باد آورد اسم شخصیت اول داستان ماست. هییییس نخندید. خودش هم خیلی ناراحت است و به خاطر اسمش مدام مسخره می‌شود. ولی چه کند که این اسم را پدر بزرگش طبق یک سنت خانوادگی روی او گذاشته و هیچ‌جوره به تغییرش رضایت نمی‌دهد. برای همین باد آورد تصمیم می‌گیرد همه‌ی جرأت و شهامتش را جمع کند و راز اسمش را از پدر بزرگ پرسد؛ رازی که پای او را به ماجرای هیجان‌انگیز و ترسناک باز می‌کند. جستجو در قبرستان ژغاره، قبرستانی که در یک روستای محروم و کوچک قرار دارد، و جستجویی پر خطر برای یافتن گنجی افسانه‌ای و بزرگ.

اشتباه نکنید با یک داستان تخیلی طرف نیستید. خبری هم از جن و پری نیست. ولی این‌ها هم چیزی از وحشت اتفاقاتی که باد آورد باید با آنها روبه‌رو شود کم نمی‌کند. شما هم با باد آورد همراه شوید تا هم از این راز خانوادگی سر در بیاورید و هم از هیجان آن قلبتان به تپش بیافتد...



📖 کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش\_باشید

## #یتیم\_غوره

پروانه با مادر پابه‌ماه، پدر و مادربزرگش زندگی می‌کند؛ مادربزرگی که کمی غرغرو است و پدر پروانه را به دلیل این که از کودکی یتیم شده بود یتیم غوره صدا می‌زند! در داستان‌ها و کتاب‌ها زیاد دیده‌ایم که یکی از نزدیکان قهرمان داستان دچار بیماری یا سانحه‌ای می‌شود و به کما می‌رود. اما این بار این اتفاق برای خود پروانه می‌افتد. بله! پروانه و پدرش بعد از تصادف به کما می‌روند.

پروانه و پدر حالا در عالمی دیگر سیر می‌کنند و چیزهایی می‌بینند و تجربه می‌کنند که با چشم سر نمی‌توان دید. آیا در نهایت پروانه به نزد مادر و مادربزرگ برمی‌گردد؟ آیا نوزاد تازه بدنیا آمده‌ی این خانواده نیز مثل پدرش یتیم غوره من شود؟ برای یافتن جواب این سوال‌ها بهتر است کتاب را بخوانید...



📖 با کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش باشید

## #معبد\_زیرزمینی

الیاس پسری سرخورده و تنهاست که از تحقیرها و توسری‌های اطرافیان علی‌الخصوص دایی‌اش به ستوه آمده و حالا به دنبال راهی است تا به همه ثابت کند بچه‌ننه نیست و جنم دارد. الیاس بعد از آشنا شدن با «حاج غلام‌حسین» مقنی دنیای تازه‌ای روبه‌روی خود می‌بیند؛ دنیایی که گذرگاه‌هایی او از همه مشکلاتش است اما شجاعت و شهامت زیادی می‌طلبد. شجاعتی که الیاس در وجود خود نمی‌بیند.

از طرفی دیگر حاج غلام‌حسین درگیر رازی بزرگ است و برای این راز به کمک الیاس احتیاج دارد. معبد زیر زمینی روایت داستانی واقعی از تلاش مردانی با روح بزرگ است. با الیاس و ترس و تردید هایش همراه شوید.



📖 با کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش باشید

## #خانوم\_کوچیک

فکر نمی‌کنم کسی تا به حال اسم پروین اعتصامی، شاعر لطیف و توانمند معاصر را نشنیده باشد! درباره‌ی پروین اعتصامی چه می‌دانید؟ می‌دانید از چه سنی شعر گفتن را شروع کرده است؟ می‌دانید اوضاع زمان زندگی‌اش چطور بوده و زن‌ها چقدر می‌توانستند استعدادهایشان را شکوفا کنند؟

«خانوم کوچیک» زندگینامه‌ی پروین اعتصامی در قالب رمانی جذاب و پرکشش است. دختر بچه‌ای فقیر راوی زندگی پروین است؛ پروینی که در ناز و نعمت بزرگ شده و زندگی‌اش زمین تا آسمان با راوی ما متفاوت است. به نظر شما راوی کتاب چه حسی به زندگی پروین دارد؟ پروین که جزو طبقه ثروتمندان است با راوی کوچک ما چه می‌کند؟



📖 با کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش باشید

## #گرگ\_ها\_با\_چشم\_باز\_می\_خوانند

آیا می‌دانستید با معطل نگه داشتن خواستگار و جواب مثبت و منفی ندادن می‌توان از اتحاد دو کشور جلوگیری کرد؟ آیا می‌دانید گوزن طلایی اسم چه وسیله‌ی نقلیه‌ای بود؟ و آن را چه کسی دزدید و به چه کسی هدیه داد؟ و بعد برای این کارش چه پاداشی دریافت کرد؟ آیا می‌دانید ویرجینیای آمریکا اصلاً چرا ویرجینیا نام گرفته است؟ آیا اسم فرقه‌ی مذهبی زلزله را شنیده بودید؟

اگر سوالات بالا حسابی کنجکاویتان را برانگیخته است، پیشنهاد می‌کنم کتاب «گرگ‌ها با چشم باز می‌خوانند» را بخوانید. جواب همه‌ی این سوالات در این کتاب موجود است. فقط یادتان باشد این کتاب جلد دوم از یک مجموعه‌ی پانزده جلدی است. حتماً جلدهای دیگرش هم مطالبی به همین عجیبی در خود دارند. مطالبی که شما را با سرگذشت جهان در قرن‌های ۱۶ به بعد آشنا می‌کند.



📖 با کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش باشید

## #تاریخ\_با\_طعم\_زغال\_اخته

به عشق در یک نگاه اعتقاد دارید؟ فرهاد معتقد است پدربزرگش قبل از مرگ عاشق شده! عشقی طوفانی که مرگ مجال ابرازش را به او نداده است. ولی از همه جالب تر عاشق چه کسی شدن است! آنا زنی است که زمین تا آسمان با پدربزرگ فرهاد متفاوت است... برای فهمیدن راز عشق سر پیری پدربزرگ فرهاد باید به کودکی فرهاد سفر کنیم و قصه‌ی او را بشنویم. قصه‌ای که در خلالش فرهاد و پدربزرگش ما را به سال‌های دورتری می‌برند؛ به جوانی پدربزرگ فرهاد و دوران به حکومت رسیدن رضا شاه. زمانی که پدربزرگ یک قزاق شاهی بوده است. دوران کودتاها، دخالت‌های انگلیس، زندگی پر فراز و نشیب رضاشاه از دید یک سرباز جان برکف قزاق... و



📖 با کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش\_باشید

## #نورآباد\_دهکده\_من

در روستای آبا و اجدادی احمد، انگار که خاک مرده پاشیده باشند روی همه چیز، صدای خنده بلند نمی‌شود، آدم‌ها دل خوشی از زندگی ندارند و فقط برای شب کردن روز است که از خواب بیدار می‌شوند. احمد هم که اوضاع را این چنین می‌بیند باروبندیش را جمع می‌کند و به دنبال جای بهتری برای زندگی از روستا بیرون می‌زند. او در مسیرش به روستایی سرسبز و آباد به نام نورآباد می‌رسد. در آنجا با جوانک چوپانی به نام رحمان آشنا شده و مهمان خانوادگی او می‌شود. پدر رحمان، که مردی سن‌وسال‌دار است، وقتی احوال احمد را می‌شنود، داستانی قدیمی را برای او تعریف کند؛ داستانی که اعضای خانواده‌اش بارها آن را شنیده‌اند اما همچنان از شنیدنش لذت می‌برند؛ داستانی از سیر تبدیل شدن روستای کم رونق نورآباد به سرزمینی بسامان و آبادان که زندگی در آن آرزوی هر کسی است...



📖 با کتاب قله نزدیک تره ، پس #کتاب\_نوش\_باشید